

راست‌گویی



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد رشت

دانشکده علوم انسانی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی آراء امام خمینی و صاحب جواهر الکلام در خصوص منابع  
مالی دولت اسلامی (وجوهات شرعی)

استاد راهنما:

دکتر بتول مهرگان صومعه سرایی

نگارش:

سید امین قربانی

تابستان ۱۳۹۸

## تقدیم:

این مجموعه را که حاصل زحمات دوره کارشناسی ارشدم می باشد تقدیم می  
کنم به شهیدای مدافع حرم.

## سپاسگزاری:

بدینوسیله از تمامی اساتیدی که در طول دوره تحصیل از وجودشان بهره ها بردم خصوصا سرکار خانم دکتر بتول مهرگان که زحمت راهنمایی این اثر را تقبل نمودند، کمال تشکر را دارم.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده.....	۱
مقدمه.....	۲
الف) بیان مسأله.....	۲
ب) پرسش های تحقیق.....	۲
ج) فرضیه های تحقیق.....	۳
د) اهداف تحقیق.....	۳
ه) پیشینه تحقیق.....	۳
و) روش تحقیق.....	۴
ز) ساختار تحقیق.....	۴

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱- مفاهیم.....	۶
۱-۱-۱- مفهوم مالکیت.....	۶
۱-۱-۱-۱- تعریف لغوی.....	۶
۱-۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی.....	۶
۱-۱-۱-۳- تعریف امام خمینی از مالکیت.....	۷
۱-۱-۱-۴- اقسام مالکیت.....	۸
۱-۱-۱-۴-۱- مالکیت خصوصی.....	۸
۱-۱-۱-۴-۲- مالکیت عمومی.....	۸
۱-۱-۱-۴-۳- مالکیت دولت اسلامی.....	۹
۱-۱-۲- مال و مالکیت.....	۹
۱-۱-۲-۱- تعریف لغوی مال.....	۹

- ۱-۲-۱-۱- تعریف لغوی ملک..... ۹
- ۱-۲-۱-۲- تفاوت ملک و مال..... ۹
- ۱-۲-۱-۳- خصوصیات مال..... ۱۱
- ۱-۲-۱-۴- انواع مال..... ۱۱
- ۱-۳-۱-۱- انفال..... ۱۲
- ۱-۳-۱-۲- تعریف لغوی..... ۱۲
- ۱-۳-۱-۳- تعریف اصطلاحی..... ۱۲
- ۱-۳-۱-۴- تعریف امام خمینی..... ۱۳
- ۱-۴-۱-۱- زمین و موات..... ۱۴
- ۱-۴-۱-۲- تعریف لغوی..... ۱۴
- ۱-۴-۱-۳- تعریف اصطلاحی..... ۱۵
- ۱-۵-۱-۱- خمس..... ۱۶
- ۱-۵-۱-۲- تعریف لغوی..... ۱۶
- ۱-۵-۱-۳- تعریف اصطلاحی..... ۱۶
- ۱-۶-۱-۱- زکات..... ۱۷
- ۱-۶-۱-۲- تعریف لغوی..... ۱۷
- ۱-۶-۱-۳- تعریف اصطلاحی..... ۱۷

## فصل دوم: اقسام منابع مالی دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی و صاحب جواهر

- ۱-۲-۱- منابع مالی..... ۱۹
- ۱-۲-۲- اقسام منابع مالی دولت اسلامی..... ۲۰
- ۱-۲-۲-۱- منابع مالی ناشی از مالکیت خصوصی..... ۲۱
- ۱-۲-۲-۲- فلسفه مالکیت خصوصی..... ۲۱
- ۱-۲-۲-۳- اقسام منابع مالی ناشی از مالکیت خصوصی..... ۲۲
- ۱-۲-۲-۴- منابع مالی ناشی از مالکیت فرد..... ۲۲

- ۲-۲-۱-۲-۲-۲- منابع مالی ناشی از مالکیت جمع..... ۲۳
- ۲-۲-۱-۲-۲-۳- منابع مالی ناشی از مالکیت جهت..... ۲۳
- ۲-۲-۱-۲-۲-۴- اسباب مالکیت در جهت تحقق منابع مالی..... ۲۳
- ۲-۲-۱-۲-۲-۵- اسباب ابتدایی مالکیت..... ۲۴
- ۲-۲-۱-۲-۲-۵- حيازت..... ۲۴
- ۲-۲-۱-۲-۲-۵- تحجير..... ۲۴
- ۲-۲-۱-۲-۲-۳- احيا..... ۲۵
- ۲-۲-۱-۲-۲-۶- اسباب انتقالی مالکیت..... ۲۶
- ۲-۲-۱-۲-۲-۷- اسباب قهری انتقال مالکیت..... ۲۷
- ۲-۲-۱-۲-۲-۱-۷- موت..... ۲۷
- ۲-۲-۱-۲-۲-۲-۷- ارتداد..... ۲۷
- ۲-۲-۱-۲-۲-۳-۷- رسیدن به حد نصاب خمس و زکات..... ۲۸
- ۲-۲-۱-۲-۲-۸- اسباب ارادی انتقال مالکیت..... ۲۸
- ۲-۲-۲-۲-۲- مالکیت عمومی..... ۲۹
- ۲-۲-۲-۲-۱- ویژگی مالکیت عمومی..... ۲۹
- ۲-۲-۲-۲-۲- اقسام مالکیت عمومی..... ۲۹
- ۲-۲-۲-۲-۱-۲- اراضی خراجیه..... ۳۰
- ۲-۲-۲-۲-۲- وقف..... ۳۱
- ۲-۲-۲-۲-۳- اقسام وقف..... ۳۱
- ۲-۲-۲-۲-۴- مالکیت در وقف..... ۳۱
- ۲-۳-۳-۲- مالکیت دولت اسلامی..... ۳۲
- ۲-۳-۲-۲-۱- فلسفه مالکیت دولت اسلامی..... ۳۳
- ۲-۳-۲-۲-۲- مصادیق انغال و مباحات عامه..... ۳۳
- ۲-۳-۲-۲-۱- زمین..... ۳۴
- ۲-۳-۲-۲-۲- معادن..... ۳۴

۳۴-۲-۳-۲-۳- آب..... ۳۴

### فصل سوم: منابع مالی دولت اسلامی از دیدگاه امام خمینی و صاحب جواهر

۳-۱- صلاحیت حکومت اسلامی از جهت تصرف در منابع مالی مسلمین ..... ۳۶

۳-۱-۱- اهمیت مسأله حکومت در قرآن از جهت تصرف در منابع مالی مسلمین..... ۳۶

۳-۱-۲- ماهیت حکومت اسلامی از جهت تصرف در منابع مالی مسلمین..... ۳۷

۳-۱-۲-۱- ماهیت حکومت از دیدگاه صاحب جواهر از جهت تصرف در منابع مالی مسلمین..... ۳۷

۳-۱-۲-۱-۱- دلیل نقلی..... ۳۸

۳-۱-۲-۱-۲- دلیل عقلی..... ۳۸

۳-۱-۲-۲- ضرورت ولایت عامه..... ۴۰

۳-۱-۲-۳- ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی از جهت تصرف در منابع مالی مسلمین ۴۱

۳-۲- حدود اقتصادی دولت..... ۴۲

۳-۱-۲- دیدگاه صاحب جواهر..... ۴۲

۳-۲- دیدگاه امام خمینی..... ۴۳

۳-۳- حیطة مالکیت دولت اسلامی..... ۴۵

۳-۱-۳- انفال..... ۴۵

۳-۲-۳- مصادیق انفال و مبانی فقهی آن..... ۴۷

۳-۲-۳-۱- فیء..... ۴۷

۳-۲-۳-۲- زمین‌های موات..... ۴۸

۳-۲-۳-۱- تعریف صاحب جواهر و امام خمینی..... ۴۸

۳-۲-۳-۲- انواع زمین‌های موات..... ۴۹

۳-۲-۳-۳- احیاء موجب مالکیت یا احقیقیت..... ۵۱

۳-۲-۳-۱- احیاء موجب مالکیت (نظر مختار صاحب جواهر و امام خمینی)..... ۵۱

۳-۲-۳-۲- دیدگاه دوم احیا موجب احقیقیت..... ۵۳

۳-۲-۳-۴- قله کوه‌ها..... ۵۶



- ۳-۳-۲-۵- دره‌ها..... ۵۷
- ۳-۳-۲-۶- نیزارها..... ۵۷
- ۳-۳-۲-۷- صفایا (اموال اختصاصی پادشاهان)..... ۵۷
- ۳-۳-۲-۸- صفوالمال..... ۵۸
- ۳-۳-۲-۹- غنایم در جنگ‌های بدون اذن امام (ع)..... ۵۸
- ۳-۳-۲-۱۰- میراث بدون وارث..... ۵۹
- ۳-۳-۲-۱۱- معادن..... ۵۹
- ۳-۳-۲-۱۱-۱- نظر امام خمینی و برخی از فقها..... ۵۹
- ۳-۳-۲-۱۱-۲- دیدگاه دوم:..... ۶۱
- ۳-۳-۲-۱۱-۳- دیدگاه سوم..... ۶۲
- ۳-۳-۲-۱۱-۴- دیدگاه چهارم..... ۶۳
- ۳-۳-۲-۱۱-۵- نظر صاحب جواهر..... ۶۳
- ۳-۳-۲-۱۲- مواردی دیگر از انفال..... ۶۴
- ۳-۴-۲-۴- خمس..... ۶۵
- ۳-۴-۱- دو دیدگاه مهم در چگونگی هزینه کردن خمس..... ۶۵
- ۳-۴-۱-۱- دیدگاه اول..... ۶۵
- ۳-۴-۱-۲- دیدگاه دوم (مختار صاحب جواهر و امام خمینی)..... ۶۹
- ۳-۴-۱-۳- دلیل‌های دیدگاه دوم..... ۷۰
- ۳-۴-۲- حکم خمس در دوره غیبت با وجود حکومت اسلامی..... ۷۵
- ۳-۴-۳- زکات..... ۷۷
- ۳-۴-۳-۱- دیدگاه اول (مختار صاحب جواهر)..... ۷۸
- ۳-۴-۳-۲- دیدگاه دوم (مختار امام خمینی)..... ۸۱
- ۳-۴-۳-۳- دلیل‌های دیدگاه دوم..... ۸۳
- ۳-۴-۳-۱- قرآن..... ۸۴
- ۳-۴-۳-۲- روایات..... ۸۴

۳-۴-۳-۳-۳- سیره.....	۸۵
نتیجه گیری.....	۸۷
منابع و مآخذ.....	۹۱
چکیده انگلیسی.....	۹۷

## چکیده

مالکیت رابطه‌ای است اعتباری بین مال و شخص حقیقی یا حقوقی به گونه‌ای که حق تصرف و سلطه بر آن را دارد. اسلام سه نوع مالکیت پذیرفته است. یک: مالکیت دولت اسلامی دو: مالکیت عمومی سه: مالکیت خصوصی. مالکیت دولت اسلامی مستقیماً در پایان نامه مورد بررسی قرار می‌گیرد و مالکیت عمومی و خصوصی نیز از این جهت که مالک هنگام تصرف در مال باید ضوابطی را که حکومت تعیین نموده است را رعایت کند به طور غیر مستقیم در بحث وارد می‌شود مثلاً در بحث مالیات، خمس، زکات و احیای موات و سایر موارد، در این بین صاحب جواهر و امام خمینی در شرایط حکومت حاکم اسلامی اموالی را متعلق به حکومت می‌دانند و اختیاراتی را برای حاکم متصور هستند که با جعل مالیات، خراج و ... مردم موظف به گردن نهادن به این قوانین هستند، هر دو بزرگوار تمام اختیارات پیامبر و ائمه در باب حکومت و سیاست را برای ولی فقیه ثابت می‌دانند، در مقدار و کیفیت دارایی‌های دولت اسلامی فقها نظرات متفاوتی دارند، ابتدا انفال بعنوان مهمترین آنها مورد بررسی قرار گرفته است، امام خمینی هر مال بدون مالک را جزو انفال می‌داند، در ادامه خمس و زکات بعنوان منابع مالی دیگری برای دولت اسلامی مطرح شده است، هر دو فقیه خمس را یک سهم و در اختیار حاکم اسلامی می‌دانند، صاحب جواهر و مشهور فقها رجوع به حاکم را در مصرف زکات ضرورت نمی‌دانند، در مقابل امام خمینی و جمعی از فقها زکات را بودجه‌ای حکومتی و در اختیار حاکم اسلامی می‌دانند.

**کلید واژه‌ها:** مالکیت دولت اسلامی، انفال، صاحب جواهر، امام خمینی

مقدمه:

## الف) بیان مساله

منظور از وجوهات شرعیه خمس زکات و رد مظالم و مانند آن است. محل مصرف رد مظالم فقط فقرای شیعه و غیر سید می باشد زکات هشت مورد مصرف دارد که در رساله مراجع ذکر شده و خمس (یعنی یک پنجم از درآمد کسب که از مخارج سال اضافه بیاید) دو قسمت می شود یک قسمت سهم سادات است که باید با اجازه مرجع به سید فقیر یا یتیم داده شود و نصف دیگر سهم امام زمان (عج) است که در زمان غیبت باید به مرجع تقلید جامع شرایط بدهند یا در موردی که او اجازه می دهد مصرف کنند و دلیل آن آیات و روایاتی است که در جای خودش ذکر شده است. به نظر برخی، در اندیشه شیعه بر خلاف اندیشه اهل سنت هر کسی امکان تصرف در وجوهات شرعیه را ندارد. در جوامع اهل سنت هر حاکمی با هر گونه ویژگی اخلاقی، علمی چون صرفاً حاکم اسلامی است اختیار تصرف در وجوه شرعیه را داشته و وجوهات عملاً جزء بودجه دولتی به حساب می آمده اما فقهای شیعه معتقدند شارع و نمایندگان او فقط می توانند در وجوه شرعیه تصرف کنند. در زمان امام، تنها امام است که می تواند در این وجوه تصرف کند و در زمان غیبت تنها فقهای عادل و جامع شرایط هستند که اجازه تصرف در این وجوه شرعیه را دارند. مالکیت رابطه ای است اعتباری بین مال و شخص حقیقی و یا حقوقی بگونه ای که حق سلطه و تصرف بر آن را دارد در اسلام سه نوع مالکیت پذیرفته شده است. یک مالکیت دولت اسلامی، دو مالکیت عمومی و سه مالکیت خصوصی. صاحب جواهر و امام خمینی حق ولایت بر اموال را بر حاکم اسلامی و اختیارات ولی فقیه را در زمان غیبت پذیرفته اند اما در مورد مقدار و کیفیت دارایی دولت اسلامی اختلاف نظرانی دارند. امام خمینی هر مال بدون مالک را جزء انفال شمرده و بلاصاحب فرض می نماید و از طرفی خمس و زکات را نیز جزو دارایی دولت اسلامی بر می شمرد که صاحب جواهر در این مورد مخالف بوده است و معتقد است مصرف خمس و زکات نیاز به رجوع به حاکم اسلامی ندارد در حالیکه امام خمینی خمس و زکات را بودجه ای مملکتی می شمارند.

## ب) پرسش های تحقیق

۱. مقصود از منابع مالی دولت اسلامی چیست؟

پرسش های فرعی

۲. حدود منابع مالی دولت اسلامی چیست؟

۳-موارد اختلاف و یا وحدت نظر امام خمینی با صاحب جواهر در بحث منابع مالی دولت اسلامی کجاست

ج)فرضیه های تحقیق

۱- منظور از منابع مالی دولت اسلامی هرگونه وجوهات شرعی مانند خمس و زکات و انفال می باشد.

۲-امام خمینی حدود مالکیت را برای دولت اسلامی مطلقا پذیرفته اند اما صاحب جواهر برای آن محدودیتی قایل شده اند.

۳-هر دو فقیه معتقد به اختیارات وسیع ولی فقیه در عصر غیبت دارند اما موارد اختلاف آنها بدین جاست که امام خمینی خمس را متعلق به حاکم اسلامی می داند اما صاحب جواهر آن را یک سهم فرض کرده و متعلق به امام می داند و از طرفی زکات را نیز متعلق به امام فرض نموده در صورتی که امام خمینی آن را جزو درآمد حاکم اسلامی بر می شمرد.

د)اهداف تحقیق

۱- شرح و بررسی منابع و مبانی درآمد دولت اسلامی

۲ تبیین چگونگی اختصاص وجوهات شرعی در منابع و درآمد دولت اسلامی

۳-تشریح وجوه اختلاف و اشتراک امام خمینی و صاحب جواهر در خصوص دامنه اختیارات دولت اسلامی در تصاحب وجوهات شرعی و درآمد مالی حکومت اسلامی

ه)پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه تحقیق به مقالات زیر می توان اشاره نمود

۱-آقای احمدی، حسین علی، (۱۳۸۴) در مقاله ای تحت عنوان: وجوهات شرعی و اموال حکومت اسلامی، مجله کانون وکلا، ش ۸-۹، تهران، کانون وکلای دادگستری، ضمن تشریح مبانی و ارکان مالی و وجوهات شرعی حکومت اسلامی موارد مصرف خمس و زکات را نیز مورد بررسی قرار داده اند.

۲- آقای جمشیدی، محمد (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان: اقتصاد حکومت اسلامی، فصلنامه دانش حقوقی، شماره ۱۴، به بررسی ماهیت و نقش وجوهات شرعیه در اقتصاد اسلامی و نحوه تخصیص آن در امور شرعی و غیر شرعی پرداخته اند

۳- آقای عظیمی، حسین (۱۳۹۰) در مقاله ای تحت عنوان: وجوهات شرعی و مصارف آنها، فصلنامه حقوق و سیاست شماره ۲۳، به مبنای درآمد مالی حکومت اسلامی و مصرف وجوهات شرعی و اموال بلاصاحب در دیدگاه فقها و امام خمینی (ره) در این باره پرداخته اند.

### و) روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه ای صورت گرفته است.

### ز) ساختار تحقیق

این تحقیق در سه فصل شامل:

## فصل اول:

# کلیات و مفاهیم

## ۱-۱- مفاهیم

در این قسمت از تحقیق به مفهوم مالکیت و سایر مفاهیم مرتبط با بحث می پردازیم.

### ۱-۱-۱- مفهوم مالکیت

مالکیت را می توان تعریف لغوی و اصطلاحی به شرح زیر نمود.

#### ۱-۱-۱-۱- تعریف لغوی

در تعریف لغوی باید گفت؛ مالکیت در لغت به معنای تسلط و قدرت بر تصرف و قلب و انقلاب است و مالک به معنای خداوند، پادشاه، دارنده هر چیز، موجر، فرمانروا، حکمران آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۴۹۷)

#### ۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی

نظر به اهمیت موضوع، در اینجا ابتدا نگرشی خواهیم داشت بر تعریف مالکیت مستند بر قول مشهور، و سپس اشاراتی کوتاه و گذرا بر تعریفی که حضرت امام (ره) معترض آن گردیده‌اند. از دیدگاه مشهور «مالکیت، عبارت است از سلطه شخص (حقیقی و حقوقی) در شی، به نحوی که بتوان در آن تصرف نمود و مانع تصرف دیگران گردید». (صدر، ۱۳۷۵؛ ۲۹۵)

چنانچه ملاحظه می شود در این تعریف «سلطه اعتباری» ماهیت اصلی مالکیت را تشکیل می دهد. در صورتی که این سلطه از بین برود، مالکیت نیز از بین می رود. اشکال وارده بر این تعریف این است که در برخی موارد، با وجود آنکه سلطه اعتباری محرز است، لکن «حق تصرف» که در واقع وسیله اعمال مالکیت است ممکن است مجاز نباشد. به عنوان مثال؛ احراز مالکیت یتیم را می توان نام برد که حق تصرف در آن را ندارد و این قدرت و سلطه اعتباری به ولی او سپرده شده است، لذا می توان گفت که «قوام مالکیت» سلطه نیست، بلکه سلطه، لازمه مالکیت است. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۹۹)

بطور خلاصه، این تعریف که فوقاً و به اختصار مورد بحث قرار گرفت به زبان علمی، از جامعیت و مانعیت برخوردار نیست؛ جامع نیست چرا که مالکیت حتی به همان مفهوم «سلطه اعتباری» لزوماً و تنها ناظر بر تسلط بر «شی» نمی باشد و تسلط بر «دین» را نیز - چنانکه در برخی موارد و از جمله در «بیع دین» ملاحظه



می‌شود - در بر می‌گیرد؛ مانع نیست، زیرا همانگونه که اشاره شد، تعریف به گونه‌ای است که «سلطه اعتباری» افراد محجور را نیز شامل می‌گردد. (همان: ۱۰۰)

در مجموعه تعاریف بر مالکیت، تحقیقاً تعریف مالکیت از حضرت امام (ره) هر دو اشکال را برطرف نموده است:

### ۱-۱-۱-۳- تعریف امام خمینی از مالکیت

حضرت امام (ره) در مجلد اول کتاب البیع، از جمله آثار گرانقدر خود، در مقام تعریف مالکیت می‌فرمایند:

«ان الملیکیه فی جمع الموارد اضافه بین المالك و المملوک، حتی فی مالکیه شیئی فی ذمه الغیر» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ ج ۱: ۴۴)

«مالکیت در همه موارد اضافه و انتسابی بین شخصی که مالک نام دارد و شی که مملوک نامیده می‌شود، حتی در آنجا که تعبیر می‌کنیم به مالکیت در ذمه...»

و در توضیح «سلطه» می‌فرماید که:

«ان السلطنه، لیست هی الملیکیه، بل هی من الاحکام العقلانیه للملیکه...» (همان: ۲۳)

«سلطه، خود مالکیت می‌باشد، بلکه از احکام عقلایی آن است.» پس، به تعبیر حضرت امام (ره)، مالکیت در واقع اضافه و انتسابی است بین «مالک» و «مملوک» و از آثار مترتب بر آن تسلط بر تصرفات گوناگون است.

«ان الملیکه اعتبار عقلایی و من احکامها السلطنه علی التقلیب و التقلب» (همان: ۲۴)

قانون مدنی ایران، با وجود آنکه تعریفی از مالکیت به دست نداده است، لکن در بیان ماهیت، آثار و تبعات آن به نظر می‌رسد که از این طرز تفکر متأثر باشد؛ چه از مجموع موارد مندرج در جلد اول کتاب اول آن تحت عنوان «در بیان اموال و مالکیت بطور کلی» چنین استنباط می‌گردد که از نظر قانون مذکور، مالکیت به اعتبار رابطه بین «شخص از یک طرف و «شی» یا «مال» از سوی دیگر شناخته شده است، به گونه‌ای که قانونگذار با عنایت به استقرار این «رابطه» به مالک حق می‌دهد که انتفاعات ممکنه را از آن ببرد و کسی نتواند از او جلوگیری کند:

«هر مالکی نسبت به مایملک خود هر گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد» (قانون مدنی، ماده ۳۰)

«تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» (ق. م. ماده ۳۵) در مجموع، از دیدگاه امام (ره) چنانکه در تعریف اخیر ملاحظه گردید، مالکیت در حیثه وسیعتری به کار می‌رود و مالکیت در ذمه را نیز در بر می‌گیرد.

(جامعیت تعریف)، و با معان نظر بر اینکه مالکیت از این دیدگاه، «اضافه» و «انتساب» و در واقع رابطه‌ای است شرعی و حقوقی بین «ذیحق» (مالک) و «متعلق حق» (مملوک)، منطقاً استقرار رابطه مذکور در مواردی که مشمول این تعریف نمی‌شود تحقق نمی‌پذیرد (مانعیت تعریف) (موسویان، ۱۳۷۹: ۸۳)

#### ۱-۱-۱-۴- اقسام مالکیت

دین اسلام در تنظیم برنامه اقتصادی خود، به سه نوع مالکیت قائل است:

##### ۱-۱-۱-۴-۱- مالکیت خصوصی

در اسلام، فعالیت‌های اقتصادی به هر شکلی که در چهارچوبه قوانین اقتصادی اسلامی صورت بگیرد، علاوه بر اینکه محترم و داراب ثواب و فضیلت است، موجب مالکیت و ثبوت حق نیز می‌گردد که براین اساس، هر فردی که بر پایه ضوابط اسلامی، مالی، را به دست بیاورد مالک آن محسوب می‌شود و تصرفات او، در آن نافذ و صحیح است و روشن است که این موضوع، علاوه بر تشویق افراد به کسب و کار و ابتکار، دارای فوائد بسیاری است. (احمدی میانجی، ۱۳۶۳: ۹)

##### ۱-۱-۱-۴-۲- مالکیت عمومی

زمین‌های آبادی را که لشکریان اسلام، در هنگام جهاد با کفار، به وسیله قهر و غلبه (نه صلح) از آنان گرفته و جزء قلمرو زمین‌های اسلامی کرده‌اند، در صورتی که آن جنگ با اذن ولی امر مسلمانان صورت گرفته باشد، به همه مسلمانان، نسل بعد از نسل به عنوان مالکیت عمومی تعلق می‌گیرد حاکم اسلامی درآمد این اراضی را برای مصالح عموم مسلمانان به مصرف می‌رساند این اراضی قابل فروش نیست و حتی اگر بصورت موات در آید از عمومی بودن خارج نمی‌شود. (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۵۶)

ولی زمین‌های مواتی که در این قبیل جنگ‌ها نیز، به دست مسلمانان می‌افتد، جزء انفال است و در مالکیت دولت اسلامی (چنانکه خواهیم گفت) در خواهد آمد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۴۹۶)

## ۱-۱-۱-۳- مالکیت دولت اسلامی

در اسلام، کلیه منابع ثروت جهان، از قبیل: دریاها، جنگل‌ها، معادن، کوه‌ها، و اراضی موات انفال است و اختیار آن با رهبر حکومت اسلامی است و او، براساس علم و آگاهی و مدیریت کاملی که دارد، در تحت برنامه معینی، مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد تا جامعه مستغنی و مستقل و مقتدر و خالی از فقر و نابسامانی، به نام جامعه اسلامی و نمونه به وجود بیاورد که شرح داده خواهد شد. (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۲۵)

## ۱-۱-۲- مال و مالکیت

### ۱-۱-۲-۱- تعریف لغوی مال

مال به معنای خواسته و آنچه در ملک کسی باشد آمده است و جمع آن اموال است همچنین به به معنای هر آنچه در تصرف و در ید کسی باشد. خواسته و ثروت و دولت و توانگری. زر و ملک می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۳۶) در کتاب المنجد برای مال چند معنا آمده است: مال: خواسته، آنچه در تصرف کسی باشد مرغزار با درخت و به معنای دارایی، متاع، پول، کالا (معلوف، ۱۳۷۴: ۶۲۹)

### ۱-۱-۲-۲- تعریف لغوی ملک

در کتب لغت برای ملک معانی مختلفی ذکر شده است از جمله: دارایی، آنچه که انسان مالک است، تصرف، تصاحب مال غیر منقول، بندگی، آب (ابن منظور، ۱۴۰۸ ج ۱۱: ۴۹۲)

## ۱-۱-۳- تفاوت ملک و مال

ملک چیزی است که انسان مالک اوست و به معنای مملوک است. اما مال چیزی است که برای انسان دارای ارزش مصرفی مستقیم یا غیر مستقیم باشد تعریف ارزش مصرفی: هر چیز یا کاری که به درد انسان بخورد، یعنی بتواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم یکی از خواسته‌ها و نیازهای آدمی را ارضاء تأمین کند، برای او ارزش مصرفی (مصرف کردن دارد). بعنوان مثال گندم، گوشت، شیر، پشم و یک شاخه گل برای انسان ارزش مصرفی دارد وقتی سخن از مصرف به میان می‌آید منظور تنها «خوردن» نیست در اینجا منظور از مصرف معنای وسیعتری است بنابراین یک شاخه گل، یک تابلوی زیبای نقاشی، کار یک معلم و خدمات یک پزشک و کار یک آرایشگر و بطور کلی همه خدمات برای ما ارزش مصرفی دارد. رابطه مال با ارزش

مصرفی در کتاب‌های فقهی ما آمده است. اگر چه اصطلاح «ارزش مصرفی» نیامده است ولی معنای آن وارد شده است. (بهشتی، ۱۳۶۳: ۱۵)

در کتاب شرح لعمه درباره شرایط مبیع آمده است: یشرط کون المبیع مما یملک، ای یقبل الملک شرعاً، فلا یصح بیع الحروما لانفع فیر غالباً کالاحشرات... (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۳: ۲۴۶)

یکی از شرایط چیزی که فروخته می‌شود این است که شرعاً قابل تملک باشد، بنابراین فروش انسان آزاد و چیزی که معمولاً دارای منفعت نیست از قبیل حشرات صحیح نیست.

چنانچه که مشاهده می‌شود در اینجا بحث از چیزی است که غالباً سودی ندارد. همچنین شیخ انصاری رحمه الله علیه که نظر قدرت تحلیل و سلامت اندیشه فقه‌ای انصافاً چهره ممتاز در قرن پیش است این مطلب را در مکاسب دقیق‌تر مطرح نموده است:

القول فی شرایط العوضین: یشرط فی کل منهما کونه متمولاً لان البیع لغه مبادله مال بمال، وقد احترزوا بهذا الشرط عما لا ینتفع به منفعه مقصوده للعقلاء و محلله فی الشرع، لأن الأول لیس بمال عرفاً کالخنافس والدیدان و النحل فانه یصح عرفاً سلب المصرف له و نفی الفائدة عنها، والثانی لیس بمال شرعاً کالخمیر والخنزیر. (انصاری، ۱۳۷۸: ج ۴، ۹)

بحث در شرایط عوضین: در مورد عوض و معوض شرط شده است که هر یک از این دو «مال» به حساب آیند زیرا بیع از نظر لغوی مبادله مال است با مالی دیگر. با آوردن این شرط از چیزهایی که دارای منفعت قابل توجه عقلاً نیستند و از نظر شرع حلال محسوب نمی‌شوند احتراز گردیده است. و این بدان جهت است که آنچه از نظر عقلاً دارای منفعت قابل توجه نیست عرفاً مال بحساب نمی‌آید مانند حشرات و کرم‌ها و زنبور که از نظر عرف می‌توان گفت قابل مصرف کردن نیستند و آنچه شرعاً حلال نیست از آن جهت که از نظر شرعی مال بحساب نمی‌آید و دارای منفعت نیست مانند مشروبات الکلی و خوک....

در نوشته‌های اقتصادی امروز در مسائل بنیادی اقتصاد، مساله سودمندی ارزش مصرفی مشاهده می‌شود که باید دانست که این معنا مخلوق جدیدی نیست بلکه تصور عرفی و عمومی است که در کتب فقه در بخش اقتصاد به ذهن فقها آمده و آن را مطرح فرموده‌اند. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۱۲۲)